****

[ادامه بررسی حکم وقوف با عامه در عرفات 1](#_Toc488766771)

[کلام محقق خوئی 1](#_Toc488766772)

[نقد کلام محقق خوئی 3](#_Toc488766773)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم وقوف با عامه در عرفات

### کلام محقق خوئی

بحث راجع به اجزاء وقوف در عرفات با عامه است، محقق خوئی فرموده گاهی احتمال موافقت حکم قاضی عامه با واقع را می دهیم و گاهی علم به مخالفت با واقع داریم، مقصود از احتمال نیز شبهه موضوعیه است و نه شبهه حکمیه، یعنی اگر به نظر ما لازم باشد که ماه در افق مکه دیده شود، و بدانیم که ماه در مکه قابل رویت نیست، نمی توانیم حکم به کفایت کنیم به این مستند که به نظر برخی از فقهاء مثل محقق خوئی اذا روی الهلال فی بلد غربی کفی، بلکه این جا مورد علم به خلاف است و نه احتمال خلاف، باید احتمال خلاف بر اساس شبهه مصداقیه بدهیم، چون اگر سیره ای باشد، در موارد شبهه مصداقیه است.

محقق خوئی فرموده در موارد احتمال وفاق، قائل به اجزاء هستیم، زیرا گرچه از جهت حکم تکلیفی تقیه واجب است، و لکن ادله تقیه، دلیل بر اجزاء نیست و لذا مقتضای روایت تقیه، این است که خلاف تقیه نباید عمل کرد، اما طبق استصحاب، روز وقوف عامه، روز هشتم است و فردای آن روز عرفه است و لکن رفتن به عرفات در فردا، حرام و خلاف تقیه است، اما دلیل بر مجزی بودن وقوف در روز هشتم نمی شود و نهایتا حج به عمره مفرده مبدل می شود.

و لکن سیره قطعیه متشرعیه بر اجتزاء وقوف با عامه داریم. البته اگر کسی خلاف تقیه عمل کند و با عامه وقوف نکند و فردای آن روز وقوف کند، حجش صحیح نیست، و نمی تواند بگوید طبق استصحاب عمل می کنم، زیرا اولا: وقوف فردا اگر خلاف تقیه واجبه است، نهی دارد و باطل است، زیرا حرام که نمی تواند مصداق واجب باشد و اگر خلاف تقیه واجبه نباشد، باز هم مجزی نیست، زیرا استصحاب در این جا اثر شرعی ندارد و جاری نیست، بعد از این که سیره بر اجتزاء وقوف با عامه است، فردا به عرفات رفتن اثر شرعی ندارد، بله، اگر با عامه وقوفین را انجام دهد و رمی جمره هم بکند و عصر دهم به نظر عامه به عرفات برود، مبطل حج نیست، گرچه کار لغوی کرده است.

ایشان به غیر از سیره به روایت ابی الجارود هم تمسک کرده: وَ عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع إِنَّا شَكَكْنَا- سَنَةً فِي عَامٍ مِنْ تِلْكَ الْأَعْوَامِ فِي الْأَضْحَى- فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع- وَ كَانَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُضَحِّي- فَقَالَ الْفِطْرُ يَوْمُ يُفْطِرُ النَّاسُ- وَ الْأَضْحَى يَوْمُ يُضَحِّي النَّاسُ- وَ الصَّوْمُ يَوْمُ يَصُومُ النَّاسُ.[[1]](#footnote-1)

(بعض اصحابنا یضحی یا به این جهت بوده که باید روزه می گرفته و نگرفته و یا بناء بر عید قربان بودن گذاشته بود، ولو روز قبل و بعد از آن هم روزه نمی گرفته باشد و یا مقصود قربانی مستحب بوده است.)

ابی الجارود نیز ثقه است، گرچه رئیس فرقه جارودیه می باشد، چون شیخ مفید در رساله عددیه او را توثیق کرده و در اسناد تفسیر قمی و کامل الزیارات هم واقع شده است.

#### نقد کلام محقق خوئی

اولا: استدلال به سیره را با نقل کلام آیت الله سیستانی نقد خواهیم کرد.

ثانیا: این که فرمود در فرض احتمال خلاف اگر احتیاط کند و فردای روز وقوف عامه، وقوف کند، مجزی نیست، ناتمام است، مگر در فرضی که خلاف تقیه واجبه باشد که اجتماع امر و نهی می شود و از متعمد، عبادت صحیح نیست، یعنی وقوف، سبب ضرر محرمی بر او یا شیعه شود، البته این فرض غیر واقع است، چون ضرر حرامی پیش نمی آید و نهایتا اذیت هایی لازم می آید، خصوصا در مشعر که اصلا مشکلی پیش نمی آید، می تواند از منی به مشعر بیاید و نماز صبح خود را بخواند و وقوف را نیز انجام بدهد، اما اگر خلاف تقیه واجبه نباشد، وجهی برای عدم اجزاء نیست، ولو ایشان گفت استصحاب، اثر شرعی ندارد، چون سیره بر کفایت وقوف با عامه است، و لکن ایشان از اول که سیره را مطرح کرد، فرمود سیره در موارد تقیه است، اما اگر وقوف اختیاری خلاف تقیه نباشد، چه سیره ای بر اجزاء وقوف با عامه وجود دارد؟

علاوه بر این که اگر سیره حتی در فرض عدم تقیه هم بوده باشد، نهایتا دلیل بر اجزاء وقوف با عامه می­شود، اما دلیل نمی شود که حکم واقعی که وقوف در روز عرفه واقعی است، به طور کلی از بین رفته باشد، چون وقوف در عرفه واقعی جزء حج است و نهایتا وقوف با عامه، عدل الواجب و مجزی است و با استصحاب، عدل الواجب اثبات می شود.

لذا به نظر ما اشکالی ندارد که یوم الشک با عامه به عرفات نرود و روز بعد که عرفه واقعی است، به عرفات رفته و وقوف واجب را انجام دهد.

ثالثا: استدلال به روایت ابی الجارود نیز ناتمام است، زیرا این شخص ثقه نیست، و این که گفته شود شیخ مفید وی را توثیق کرده، ناتمام است، زیرا وی در رساله عددیه گفته راویان روایاتی که می گویند ماه رمضان گاهی ناقص و گاهی تمام می شود، از کسانی هستند که: الأعلام الرؤساء المأخوذ عنهم الحلال و الحرام و الفتيا و الأحكام الذين لا يطعن عليهم و لا طريق إلى ذم واحد منهم.[[2]](#footnote-2)

در حالی که قطعا رئیس گروه ضاله جارودیه نمی تواند مشمول این توصیفات باشد و لذا معلوم می­شود که مقصود ایشان مجموع من حیث المجموع بوده، و گرنه همین محمد بن سنان که جزء این افراد شمرده شده، در چند صفحه قبل که روایتی از او نقل می کند که ماه رمضان هیچگاه ناقص نمی شود، از او تعبیر می کند به این که و هو ضعیف جدا الذی لا ریب فی تهمته و همین قرینه است بر این که مقصودشان مجموع من حیث المجموع است.

از مبنای توثیق عام بودن وقوع راوی در اسناد کامل الزیارات هم که خود ایشان رجوع کرده و وقوع در تفسیر قمی هم برای اثبات وثاقت کافی نیست، زیرا هر جا به خبر ابی الجارود می رسد، بعدش می گوید رجع الی تفسیر علی بن ابراهیم و این نشان می دهد که ابی الجارود تفسیری داشته که با تفسیر قمی در یک کتاب آورده شده است.

علاوه بر این که اگر این روایت صحیح است، چرا محقق خوئی در فرض علم به خلاف به این روایت عمل نکرده و حکم به صحت وقوف با عامه نکرده است؟ بلکه فرموده سیره در این فرض ثابت نیست، این روایت که اطلاق دارد، و چرا آن را بر حکم ظاهری حمل می کند؟ موضوع این روایت که شک نیست، امام علیه السلام فرموده عید قربان همان روزی است که مردم آن را عید قربان می گیرند و باید بر طبق آن مطلقا عمل می فرمود.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص133، أبواب جواز الافطار للتقیة و الخوف...، باب57، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/133/یضحی) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الرد على أصحاب العدد - جوابات أهل الموصل؛ -- ؛ 25؛ فصل و أما رواه الحديث بأن شهر رمضان شهر من شهور السنة يكون تسعة و عشرين يوما و يكون ثلاثين يوما ؛ ص : 25](http://lib.eshia.ir/71528/1/25/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85) [↑](#footnote-ref-2)